

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۱۱۵-۱۳۱

عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی بافی در شهرستان شیراز*

شهدخت رحیم پور، سیدعبدالجابر قدرتیان کاشان، و امیرحسین چیت سزایان**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی شهرستان شیراز در اشتغال به قالی بافی صورت گرفت. جامعه آماری شامل زنان بافنده روستایی بود که به کمک رابطه کوکران، میانگین نمونه ۳۸ نفر به دست آمد و برای دستیابی به داده‌های دقیق‌تر، تعداد هشتاد نفر بافنده به صورت تصادفی با مراجعه به اتحادیه بافندگان فرش انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که با پاسخ‌گویی بافندگان بی‌سواد و کم‌سواد در قالب مصاحبه تکمیل و با نظرسنجی داده‌های اولیه جمع‌آوری و به روش تحلیل عاملی بررسی شد. نتایج نشان داد که عوامل (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فنی، قانونی، زیست‌محیطی و بهداشتی) بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی بافی تأثیر دارد و این عوامل ۵۹/۳۹ درصد از واریانس عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی بافی را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: کاهش تمایل به قالی بافی، زنان بافنده، قالی بافی روستایی، شیراز (شهرستان).

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم شهدخت رحیم پور بوده که در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه کاشان از آن دفاع شده است.

** به ترتیب، نویسنده مسئول و مربی گروه فرش دانشگاه اراک (shrr107@yahoo.com)؛ استادیار گروه مدیریت دانشگاه کاشان؛ و دانشیار گروه هنر دانشگاه کاشان.

مقدمه

سنت قالی‌بافی با هزینه اندک و استفاده از تجهیزات ساده در منازل بافندگان در قالب یک حرفه هنری و درآمدزا از گذشته تاکنون رواج داشته است. اشتغال‌زایی در هنر صنعت فرش دستباف، علاوه بر قالی‌بافی، فعالیت‌ها و مشاغل جانبی دیگری را نیز دربرمی‌گیرد. "بر اساس برآوردهای دقیق کارشناسی، سی رشته، شغل و خدمات و مهم‌تر از همه، هنر و صنعت هنری در ارتباط با فرش وجود دارد" (۲۱). از جمله مشاغل جانبی می‌توان به کار نخ‌ریس، نختاب، رنگ‌فروش، رنگرز، طراح، چله‌کش، گره‌زن، و صادرکننده اشاره کرد. با تولید یک فرش سنتی، کشاورز، دامدار، پشم‌ریس، نختاب، طراح، رنگرز، پرداخت‌کن، رفوگر، فرش‌فروش، صادرکننده و بافنده و خانواده او نیز مشغول به کار می‌شوند و از این راه ارتزاق می‌کنند، اما سخت‌ترین و مهم‌ترین بخش فرایند تولید فرش توسط بافندگان صورت می‌گیرد. به تعبیر دیگر، بافنده‌ها به‌مثابه منابع انسانی، مهم‌ترین درونداد فرایند تولید قالی به‌شمار می‌روند.

بنا به تعریف، بافنده قالی عبارت است از "کارگری که قادر به بافت قالی باشد و بافت را به صورت حرفه یا کار جنبی انجام دهد. قالی‌بافی، از یک سو، ابزار و مواد اولیه بافت است و از سوی دیگر، نیروی انسانی که با کمک ابزار کار، این مواد اولیه را به‌کار می‌برد. بافندگان یا روستایی و عشایری هستند و یا شهری که چه شهری و روستایی، در اساس، کارشان با هم یکی است" (۳).

طبق گزارش مرکز ملی فرش ایران، سهم استان فارس از نظر تعداد تولیدکننده، بافنده و سایر مشاغل مرتبط با فرش ۱۵/۱۵ درصد کل کشور بوده که از آن میان، ۸/۷۳ درصد را بافندگان تشکیل می‌دهند (۱۲). به نقل از اتحادیه بافندگان فرش دستباف شیراز، ۳۲ هزار بافنده در شهرستان شیراز وجود دارند؛ یعنی، دوسوم نیروی بافنده استان متعلق به همین شهرستان است و از این تعداد، چهارده هزار نفر بافندگان روستایی (یک درصد جمعیت زنان بافنده) در شهرستان شیراز و بقیه، بافندگان عشایری و شهری باف هستند (۶).

در همه مناطق استان فارس، حرفه قالی‌بافی فعالیتی صرفاً زنانه است. زنان در مناطق روستایی، پس از فراغت از کار منزل و همکاری با مرد خانه در فعالیت‌های کشاورزی

و دامپروری، ساعت‌های بیکاری خود را به بافت فرش اختصاص می‌دهند. تولید قالی در روستا یا به صورت خویش‌فرمایی است که بافنده بر اساس سلیقه شخصی و با فراهم کردن مواد اولیه، به تولید قالی می‌پردازد، یا به صورت سفارش‌پذیری و تولید نیمه‌متمرکز است که مواد اولیه و نقشه را تولیدکنندگان قالی در اختیار بافندگان قرار می‌دهند و زنان در منازل خود به تولید بافته سفارشی می‌پردازند و در قبال آن، دستمزد دریافت می‌کنند؛ این روش در روستاهای شهرستان شیراز پررونق‌تر از روش تولید خویش‌فرمایی است.

مسئله این است که علی‌رغم توانایی و مهارت بافندگان روستایی شهرستان شیراز، میزان مشارکت در فعالیت قالی‌بافی در مناطق روستایی این شهرستان روند نزولی فزاینده دارد. با توجه به آمار اداره بازرگانی فرش شیراز، در سال ۱۳۹۱، تولیدات فرش استان ۰/۱۶ سبد صادرات غیرنفتی استان فارس و ۰/۱۷ تولیدات فرش دستباف بود. در هشت‌ماهه سال ۱۳۹۱، میزان صادرات استان ۱۰۰۷۰ تن به ارزش ۳۵۴۶۷۵۰۲ دلار و در هشت‌ماهه مشابه سال ۱۳۹۲، میزان آن ۳۷۹ تن به ارزش ۶۴۲۸۴۱۸ دلار بود، که مقایسه این آمارها رشد منفی ۰/۸۱ را نشان می‌دهد. این رشد منفی، با تأثیرگذاری بر رونق بازار، کاهش فعالیت بافندگان و تولیدات فرش را نیز به همراه داشت. در آمار پنج‌ماهه اول سال ۱۳۹۳ نیز کاهش پنج درصدی مشهود است (۶). از سوی دیگر، در آسیب‌شناسی عوامل فرش دستباف این شهرستان، معضل اصلی فرش دستباف کمبود و کاهش تعداد بافندگان به‌ویژه بافندگان روستایی از سوی تولیدکنندگان فرش دستباف معرفی شده و آینده این هنر - صنعت، با توجه به کاهش روزافزون نیروی انسانی بافنده، یکی از دغدغه‌های موجود برای برنامه‌ریزی فضای کار در وضعیت موجود تلقی شده است.

عدم تمایل قالی‌بافان به انجام این فعالیت، علاوه بر ایجاد مشکل در فرایند تولید فرش دستباف و کند شدن چرخه اقتصادی و نیز اختلال در تداوم فرهنگ قالی‌بافی، پیامدهایی مانند افزایش نیروی مصرف‌کننده و کاهش توسعه روستا را در پی دارد. توسعه‌نیافتگی و کاهش فرصت اشتغال زمینه‌ساز مهاجرت روستاییان به شهرها و پیامدهای منفی زیست‌محیطی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی آن بوده است.

ضرورت پرداختن بدین موضوع متأثر از رونق قالی بافی در قالب بخشی از اقتصاد مبتنی بر کسب و کارهای کوچک و خانگی، عدم نیاز به سرمایه گذاری کلان و مطابقت فرهنگ قالی بافی با ساختار فرهنگی روستاست که بانوی خانه دار، در کنار توجه به خانواده و تربیت فرزندان، در پاسخ به نیاز هنری و استفاده بهینه از زمان فراغت در منزل خود بدین حرفه می پردازد. این تلاش در رفاه حال خانواده و توسعه انسانی و روستا نیز تأثیرگذار است. از این رو، توجه به آسیب شناسی، برنامه ریزی و بازنگری مدیریت هنر- صنعت فرش دستباف در پاسخ به بازار کار نامناسب روستا و کمبود فرصت های شغلی با تأکید بر منابع بومی و بهره وری از نیروی ماهر به عنوان تولیدی هنری، فرهنگی و اقتصادی لازم است. روستاهای شهرستان شیراز از جنبه های مختلف اقلیمی و محیطی، از ظرفیت هایی مناسب برای دسترسی به منابع اولیه تولید فرش برخوردارند و توان های موجود در توسعه هنر بومی لزوم توجه به روند فرش بافی این منطقه را طلب می کند.

فعالیت هایی مانند قالی بافی و در کل، اشتغال زنان روستایی صرفاً یک مبحث اقتصادی نیست، بلکه بهبود شرایط اقتصادی بر مؤلفه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده و با کیفیت و رضایت مندی از زندگی و در نهایت، سلامت روحی و روانی جامعه در ارتباط است؛ از این رو، در این زمینه، مطالعات متعدد صورت گرفته است.

بر پایه نتایج پژوهش های متعدد، ارزیابی توانمندی زنان روستایی قالی باف نشان می دهد که با افزایش توانمندی های زنان قالی باف، قدرت اقتصادی خانواده و قدرت اجتماعی آنها در سطح جامعه و خانواده افزایش می یابد، که خود مستلزم افزایش سطح آموزش حرفه ای و تحصیلات بافندگان است (۱). محدودیت اعتبارات و نبود صرفه اقتصادی تولید در سطح خرد از دلایل محدودیت اشتغال زنان روستایی در زمینه صنایع دستی است (۱۵). تغییر ارزش ها و نگرش های اقتصادی، اشتغال و گرایش زنان به کار بیرون از خانه از عوامل رکود قالی بافی است (۱۴). میان افت تولید فرش با عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه، مشکلات جسمی ناشی از کار، استفاده از مواد اولیه نامرغوب، وضعیت رفاه اجتماعی و نقشه های تکراری رابطه معنی دار وجود دارد (۱۰). نامطلوب بودن آگاهی قالی بافان در مورد شرایط کار، نبود استانداردهای بهداشتی

کارگاه‌های قالی‌بافی و شرایط نامناسب بهداشت فردی و عمومی قالی‌بافان از دیگر عوامل مؤثر است (۷). ناتوانی جسمی و بیماری، رکود بازار فرش و درآمد پایین قالی‌بافی از نظر بافندگان در کیفیت تولیدات فرش مؤثر است (۹). تهیه مواد اولیه، نقشه و دار قالی، کمبود سرمایه برای شروع کار و عدم دسترسی به تسهیلات و وام بانکی از مهم‌ترین مشکلات قالی‌بافان ذکر شده است (۱۶). نبود بازار مناسب محصولات تولیدی مشکل اصلی زنان شاغل صنایع دستی است و در بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در صنایع دستی، کاهش تسهیلات وام اشتغال یا خوداشتغالی زنان در مقایسه با مردان بر فعالیت زنان مؤثر است (۱۷). بر پایه نتایج ارزیابی ارگونومیک بافندگان فرش، میزان مخاطرات شغلی این حرفه بالاست، که باید به شرایط کار بافندگان توجه شود (۴). تولید متراژ سطح پایین فرش به واحدهای تولیدی کوچک و خانگی، و درآمد پایین بافندگان فرش مربوط بوده و شرایط نامطلوب بافندگان سبب عوارضی مانند فقر، بیکاری و مهاجرت عنوان شده است (۱۱). عوامل مؤثر در ترک حرفه قالی‌بافی عبارت‌اند از دستمزد پایین، بازار نامناسب فرش دستباف، افزایش قیمت مواد اولیه، جایگاه اجتماعی پایین قالی‌بافان، عدم ارزش‌گذاری کار زنان، شرایط فیزیکی کارگاه‌ها و فشار خانواده (۱۸). آسیب‌پذیری بافندگان به نامناسب بودن مکان و محل نصب دار قالی، بافت مداوم، و نوع نخ مرتبط است (۸). رقابت سخت فرش دستباف با تولید فرش ماشینی، عدم دسترسی به مواد خام و تقاضای پایین خرید فرش دستباف به دلیل گرانی از جمله تهدیدهای پیش روی کسانی است که به فعالیت قالی‌بافی می‌پردازند (۱۳). نتایج بررسی خطر شغلی بافندگان فرش کرمان حاکی از مشکلات پزشکی ناشی از غیراستاندارد بودن محل کار بافندگان قالی است (۲۲). عدم آگاهی بافندگان در بدتر شدن مشکلات موجود صنعت فرش دخیل است (۲۰). دلایل اصلی زنان روستایی ترکیه برای ادامه یا ترک فعالیت بافندگی متأثر از حمایت‌های اقتصادی بافندگان، موقعیت جغرافیایی روستا و سنت دیرین قالی‌بافی است (۲). سرانجام، بهبود شرایط کاری بافندگان و آموزش‌های لازم به بافندگان در رونق صنعت فرش‌بافی هند مؤثر است (۵).

بر اساس یافته‌های مطالعات پیشین، عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرش بافی زنان روستایی شامل عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی، زیست‌محیطی، فنی و بهداشتی است: از جمله عوامل فرهنگی عبارت‌اند از تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی (۱۴)، گرایش زنان به کار بیرون از خانه (۱۴)، سنت دیرین قالی بافی (۲)، عدم آگاهی قالی بافان از شرایط کار (۷)، و آموزش (۱، ۵)؛ از جمله عوامل اقتصادی عبارت‌اند از دستمزد و درآمد پایین (۱۸، ۹، ۱۱)، بازار نامناسب فرش (۹، ۱۷، ۱۸)، کمبود سرمایه شروع کار (۱۶)، رقابت تولید فرش ماشینی با فرش دستیاب (۱۳)، تقاضای پایین خرید فرش (۱۳)، عدم حمایت اقتصادی بافندگان (۲)، و نبود صرفه اقتصادی (۱۵)؛ از جمله عوامل اجتماعی عبارت‌اند از وضعیت رفاه اجتماعی (۱۰)، جایگاه پایین اجتماعی قالی بافان (۱۸)، واحدهای تولیدی کوچک و خانگی (۱۱)، و عدم ارزش گذاری کار زنان (۱۸)؛ از جمله عوامل زیست‌محیطی نیز استفاده از مواد اولیه نامرغوب (۸، ۱۰) است؛ از جمله عوامل بهداشتی عبارت‌اند از عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه (۱۰)، عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار (۱۰، ۹، ۴، ۱۱)، و شرایط نامطلوب محیط کار (۱۸، ۸، ۲۲، ۵)؛ و از جمله عوامل فنی تأثیرگذار بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی بافی عبارت‌اند از نقشه‌های تکراری (۱۰، ۱۸)، نبود استاندارد کارگاه و ابزار بافت (۷)، عدم دسترسی به مواد اولیه، نقشه و دار قالی (۱۳، ۱۶)؛ و سرانجام، از جمله عوامل قانونی محدودیت اعتبارات (۱۵، ۱۷) است.

هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در کاهش تمایل زنان بافنده روستایی شهرستان شیراز به فعالیت قالی بافی است. اهداف اختصاصی پژوهش عبارت‌اند از: «اولویت بندی عوامل مؤثر در کاهش تمایل زنان بافنده روستایی شهرستان شیراز به فعالیت قالی بافی» و «تحلیل عاملی عوامل مؤثر در کاهش تمایل زنان بافنده روستایی شهرستان شیراز به فعالیت قالی بافی».

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی بوده و به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه زنان دارای مهارت

فرش بافی در مناطق روستایی شهرستان شیراز بودند که بر اساس گزارش اتحادیه فرش دستباف شهرستان شیراز، از مجموع ۳۲ هزار بافنده روستایی، عشایری و شهری، چهارده هزار نفر از بافندگان روستایی دارای مهارت قالی بافی هستند. برای تعیین حجم نمونه نیز با توجه به معلوم بودن حدود تعداد جامعه آماری از رابطه کوکران استفاده شده است. همچنین، بر اساس نمونه‌گیری ده تایی مقدماتی، انحراف معیار ۰/۲۹ (یا واریانس ۰/۰۸۶) به دست آمد. بنابراین، در سطح تشخیص ۰/۰۵ و خطای شش درصد، حجم نمونه تحقیق به صورت زیر محاسبه شد:

$$n = \frac{N \cdot Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \cdot \sigma^2}{(N-1) \cdot d^2 + Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \cdot \sigma^2} = \frac{14000 \times 1.96^2 \times 0.086}{(14000 - 1) \times 0.06^2 + 1.96^2 \times 0.086} \geq 38$$

که پارامترهای موجود در آن، به شرح زیر است:

$Z_{\frac{\alpha}{2}}$: مقدار متغیر نرمال واحد متناظر با سطح اطمینان در نظر گرفته شده؛ در تحقیق حاضر، سطح اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است. در این صورت، Z متناظر با ۹۵ درصد ۱/۹۶ است.

D : میزان اشتباه مجازی که مقدار آن بر اساس تحقیقات پیشین مشخص می‌شود؛ در تحقیق حاضر، مقدار d برابر با ۰/۰۶ در نظر گرفته شده است.
 N : تعداد اعضای جامعه آماری، که چهارده هزار نفر است.
 n : تعداد نمونه آماری.

σ^2 : واریانس نمونه؛ در تحقیق حاضر، انحراف معیار شاخص کل (که از میانگین تمامی شاخص‌ها به دست آمده بود) عدد ۰/۰۸۶ است.

بنابراین، حجم نمونه بر اساس رابطه بالا ۳۸ نفر است؛ اما در پژوهش حاضر، با جمع‌آوری پرسشنامه و مصاحبه با افراد کم‌سواد و بی‌سواد، حجم نمونه آماری هشتاد نفر شد. روش نمونه‌گیری تصادفی است.

برای گردآوری داده‌های اولیه، بر اساس متغیرهای مطالعات پیشین، پرسشنامه‌ای تهیه شد. گویه‌های اصلی ۲۴ مورد بوده که میزان تأثیر بر اساس طیف لیکرت پنج‌قسمتی (خیلی کم = ۱، کم = ۲، بدون تأثیر = ۳، زیاد = ۴، و خیلی زیاد = ۵) سنجیده شده است. اطلاعات شخصی پاسخ‌گویان شامل سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، سابقه شغلی، نحوه مالکیت و نوع فعالیت فصلی یا دائمی است. روایی پرسشنامه را پانزده تن از اساتید و کارشناسان فرش تأیید کردند. در سنجش پایایی پرسشنامه، با توزیع بیست پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون، آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۶ به دست آمده که قابل قبول بوده و پایایی پرسشنامه تأیید شده است. برای پردازش داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS و تحلیل عاملی استفاده شده است.

در تحلیل عاملی که روش آماری چندمتغیره است، هدف اصلی خلاصه کردن داده‌هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت، آنها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند (۸).

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی

میانگین سن بافندگان روستایی پنجاه سال با انحراف معیار یازده و بیشترین فراوانی سن افراد پاسخ‌گو ۴۱-۵۰ سال (۳۵/۵ درصد) است. نود درصد بانوان پاسخ‌گو متأهل و ده درصد مجردند. بیشترین افراد پاسخ‌گو از تحصیلات زیر دیپلم (۴۰/۶ درصد) و کمترین افراد از تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر (یک درصد) برخوردارند. شیوه تولید ۵۰/۲ درصد به صورت مالکیت کارفرمایی غیرمتمرکز و سفارش‌بافی است و ۶۶/۳ درصد به صورت فصلی به قالی‌بافی می‌پردازند. میانگین سابقه فعالیت قالی‌بافی در بین بافندگان روستایی ۳۹ سال است. به منظور تحلیل نظرات قالی‌بافان روستایی شهرستان شیراز با توجه به میانگین، گویه‌ها اولویت‌بندی شدند. جدول ۱ اولویت‌بندی عوامل کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی‌بافی بر حسب میانگین را نشان می‌دهد.

جدول ۱- اولویت بندی عوامل کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه قالی بافی

اولویت	انحراف معیار	میانگین	عوامل کاهش تمایل زنان به فرش بافی
۱	۰/۸۹۳	۴/۱۵	دستمزد و درآمد پایین
۲	۰/۹۰۱	۴/۰۹	نبود صرفه اقتصادی
۳	۰/۸۷۷	۴/۰۶	محدودیت اعتبارات
۴	۰/۸۶۶	۴/۰۰	عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار
۵	۰/۷۹۵	۳/۹۶	عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه
۶	۱/۰۰۳	۳/۷۲	رقابت تولید فرش ماشینی با فرش دستیافت
۷	۰/۸۰۸	۳/۶۷	تقاضای پایین خرید فرش
۸	۰/۹۱۰	۳/۵۳	شرایط نامطلوب محیط کار
۹	۰/۸۷۵	۳/۵۰	نبود استاندارد کارگاه و ابزار بافت
۱۰	۰/۹۱۲	۳/۴۶	مواد اولیه نامرغوب
۱۱	۰/۹۴۰	۳/۴۴	جایگاه پایین اجتماعی قالی بافان
۱۲	۰/۸۸۱	۳/۳۹	عدم دسترسی به مواد اولیه، نقشه و دار
۱۳	۰/۹۹۷	۳/۳۷	تغییر نگرش ها و ارزش های اقتصادی و اجتماعی
۱۴	۰/۸۷۱	۳/۳۲	عدم حمایت اقتصادی بافندگان
۱۵	۰/۸۴۰	۳/۳۰	گرایش زنان به کار بیرون از خانه
۱۶	۰/۷۷۶	۳/۲۵	نقشه های تکراری
۱۷	۰/۸۱۰	۳/۲۳	عدم ارزش گذاری کار زنان
۱۸	۰/۷۹۱	۳/۱۸	وضعیت رفاه اجتماعی
۱۹	۰/۸۲۹	۳/۱۵	واحدهای تولیدی کوچک و خانگی
۲۰	۰/۹۰۵	۳/۱۱	کمبود سرمایه شروع کار
۲۱	۰/۷۴۲	۳/۰۹	بازار نامناسب فرش
۲۲	۰/۶۷۹	۳/۰۸	عدم آموزش
۲۳	۰/۸۳۰	۳/۰۰	عدم آگاهی قالی بافان از شرایط کار
۲۴	۰/۷۲۲	۲/۸۸	سنت دیرین فرش بافی

مأخذ: یافته های پژوهش

بر اساس جدول ۱، در بررسی نظرات بافندگان روستایی پیرامون کاهش تمایل ایشان به فرش‌بافی، دستمزد و درآمد پایین با بیشترین میانگین (۴/۱۵) مهم‌ترین مشکلی است که جامعه مورد بررسی با آن روبه‌رو هستند. قالی‌بافی از مشاغل سخت محسوب می‌شود و با توجه به زمان‌بر بودن بافت یک قالی، درآمد حاصل از این حرفه دلیلی بر کاهش فرش‌بافی است. نبود صرفه اقتصادی (با میانگین ۴/۰۹) دومین مشکلی است که زنان قالی‌باف بدان اشاره کرده‌اند. زنان روستایی در کنار مشاغلی چون کشاورزی و دامپروری، در اوقات فراغت خود به فرش‌بافی می‌پردازند و از این‌رو، زمان کمتری را به قالی‌بافی اختصاص می‌دهند؛ اما صرفه اقتصادی قالی‌بافی، با توجه به مقایسه آن با کشاورزی و دامپروری، از دیگر عوامل کاهش فرش‌بافی قلمداد شده است. سومین مشکل مورد نظر بافندگان قالی محدودیت اعتبارات (با میانگین ۴/۰۶) است. وام قالی‌بافی اندک و گرانی بهای مواد اولیه مرغوب پاسخ‌گوی انتظارات بافندگان در توسعه این حرفه نیست. دستمزد و درآمد پایین، نبود صرفه اقتصادی، محدودیت اعتبارات و عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار از مهم‌ترین متغیرهایی بوده که در کاهش تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی تأثیر زیاد تا خیلی زیاد داشته است.

بر پایه نتایج به‌دست آمده، سنت دیرین قالی‌بافی با کمترین میانگین (۲/۸۸) در آخرین اولویت قرار دارد. از آنجا که قالی‌بافی در اوقات فراغت زنان روستایی انجام می‌شود، در گذشته، مورد توجه مادران زنان و دختران امروز بوده است. هر چند، انتقال این هنر و مهارت بر اساس سنت به دختران منتقل شده، اما تمایل به مشاغل ساده‌تر، تحصیلات دانشگاهی و مهاجرت از دلایل کاهش سنت قالی‌بافی است.

یافته‌های تحلیلی

بررسی آزمون *KMO* و *بارتلت*: به منظور دسته‌بندی عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به حرفه فرش‌بافی در شهرستان شیراز، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج آزمون *KMO* مقدار ۷۶۳/۴ را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که وضعیت تحلیل

عاملی داده‌ها در حد خوب است. آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار بوده (۰/۰۰۰) که رقمی مناسب است؛ معنی‌داری آزمون بارتلت بیانگر درستی تفکیک عوامل و متناسب بودن متغیرهای قرارگرفته در هر عامل است. پس از اطمینان از مناسب بودن داده‌ها، برای انجام تحلیل عاملی، از چرخش واریماکس در دستیابی به عامل‌های معنی‌دار استفاده شده است.

جدول ۲- عوامل استخراجی همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی درصد واریانس
اقتصادی	۳/۹۰۱	۱۱/۰۰۱	۱۱/۰۰۱
بهداشتی	۳/۷۲۱	۱۰/۶۰۳	۲۱/۶۰۴
فنی	۳/۵۰۰	۹/۴۱۲	۳۱/۰۱۶
اجتماعی	۳/۱۲۹	۸/۳۷۷	۳۹/۳۹۳
فرهنگی	۲/۸۳۰	۷/۱۰۰	۴۶/۴۹۳
قانونی	۲/۵۰۱	۶/۶۰۳	۵۳/۰۹۶
زیست محیطی	۲/۰۱۷	۶/۲۹۹	۵۹/۳۹۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

میزان واریانس کل متغیرها در مورد عوامل اقتصادی با مقدار ویژه ۳/۹۰۱ بیشتر از سایر عوامل است (۱۱/۰۰۱ درصد)؛ عامل دوم «بهداشتی» با مقدار ویژه ۳/۷۲۱، ۱۰/۶۰۳ درصد، عامل سوم «فنی» با مقدار ویژه ۳/۵۰۰، ۹/۴۱۲ درصد، عامل چهارم «اجتماعی» با مقدار ویژه ۳/۱۲۹، ۸/۳۷۷ درصد، عامل پنجم «فرهنگی» با مقدار ویژه ۲/۸۳۰، ۷/۱۰۰ درصد، عامل ششم «قانونی» با مقدار ویژه ۲/۵۰۱، ۶/۶۰۳ درصد، و عامل هفتم «زیست محیطی» با مقدار ویژه ۲/۰۱۷، ۶/۲۹۹ درصد بوده است.

مقادیر بارهای عاملی متغیرها پس از چرخش بر مبنای قرار گرفتن متغیرهایی با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ در جدول ۳ آمده است. بارهای عاملی ضرایب همبستگی عوامل و متغیرهاست و متغیرهای عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۳- بارگیری عامل‌های استخراجی از متغیرهای ماتریس عوامل چرخش یافته

عامل	متغیرها	بار عاملی
۱- عامل اقتصادی	دستمزد و درآمد پایین	۰/۶۸۳
	کمبود سرمایه شروع کار	۰/۵۹۲
	رقابت تولید فرش ماشینی با فرش دستباف	۰/۵۱۹
	عدم حمایت اقتصادی بافندگان	۰/۶۳۱
۲- عوامل فرهنگی	نبود صرفه اقتصادی	۰/۵۸۰
	تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی	۰/۷۱۲
	عدم آگاهی قالی‌بافان از شرایط کار	۰/۶۹۴
۳- عوامل اجتماعی	عدم آموزش	۰/۶۰۲
	وضعیت رفاه اجتماعی	۰/۶۲۸
	جایگاه پایین اجتماعی قالی‌بافان	۰/۶۴۸
	واحدهای تولیدی کوچک و خانگی	۰/۶۰۲
۴- عوامل زیست محیطی	عدم ارزشگذاری کار زنان	۰/۵۱۱
	استفاده از مواد اولیه نامرغوب	۰/۵۱۰
۵- عوامل بهداشتی	عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه	۰/۵۱۵
	عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار	۰/۶۸۳
۶- عوامل فنی	نقشه‌های تکراری	۰/۵۹۲
	نبود استاندارد کارگاه و ابزار بافت	۰/۵۱۸
۷- عوامل قانونی	عدم دسترسی به مواد اولیه، نقشه و دار	۰/۵۶۱
	محدودیت اعتبارات	۰/۵۴۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول ۳، عامل اقتصادی در قالب متغیرهای دستمزد و درآمد پایین، کمبود سرمایه شروع کار، رقابت تولید فرش ماشینی با فرش دستباف، عدم حمایت اقتصادی بافندگان و نبود صرفه اقتصادی مهم‌ترین مشکلات زنان روستایی قالی‌باف در زمینه کاهش تمایل آنها به قالی‌بافی را تبیین می‌کند. همچنین، به ترتیب، این عوامل در رتبه‌های بعدی بر کاهش قالی‌بافی زنان روستایی شهرستان شیراز تأثیرگذارند: عامل فرهنگی با متغیرهای تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی، عدم آگاهی

قالی بافان از شرایط کار و عدم آموزش؛ عامل اجتماعی با متغیرهای وضعیت رفاه اجتماعی، جایگاه پایین اجتماعی قالی بافان، واحدهای تولید کوچک و خانگی و عدم ارزش گذاری کار زنان؛ عامل زیست محیطی با متغیر استفاده از مواد اولیه نامرغوب؛ عامل بهداشتی با متغیرهای عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه و عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار؛ عامل فنی با متغیرهای نقشه های تکراری، نبود استاندارد کارگاه و ابزار بافت، عدم دسترسی به مواد اولیه، نقشه و دار؛ و عامل قانونی با متغیر محدودیت اعتبارات.

نتیجه گیری و پیشنهادها

توسعه یافتگی فرایندی چندوجهی است و نقش زنان به مثابه نیمی از جمعیت جامعه در این پدیده مهم و ضروری است. توجه به توانایی ها و بهره برداری از نیرو و استعداد این قشر در دستیابی به ارتقای مؤلفه های زندگی و توسعه امری حیاتی است. قالی بافی در قالب سنتی دیرین در مناطق روستایی شهرستان شیراز فعالیتی اقتصادی و هنری بوده که توسط زنان رواج و رونق داشته است، فعالیتی که همراه با توانمندی اقتصادی زنان و درآمدزایی خانواده ها به صورت تولید ارزآور و ملی در توسعه کشور و مناطق روستایی نقش دارد. زنان قالی باف شهرستان شیراز قطب مهم نیروی تولیدی قالی در این شهرستان محسوب می شوند که در پی کاهش تمایل زنان روستایی به قالی بافی در این مناطق، پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی بافی در شهرستان شیراز پرداخته است. بر اساس یافته های پژوهش حاضر، میانگین سن زنان بافنده روستایی پنجاه سال است که نیروی جوان محسوب نمی شوند و در صورت عدم سامان دهی و تربیت نیروهای ماهر و جوان، با تغییرات اجتماعی پدید آمده در مناطق روستایی و تشدید پدیده مهاجرت روستاییان و در پی آن، کاهش تمایل زنان قالی باف به انجام قالی بافی، این هنر در معرض زوال است. حدود ۴۰/۶ درصد از افراد جامعه مورد مطالعه دارای تحصیلات زیر دیپلم بوده، که توجه به سطح آموزش در راستای ارتقای دانش قالی بافان نکته ای حائز اهمیت است. با توجه به روند تولید خویش فرمایی قالی و فصلی بودن این حرفه در مناطق روستایی به دلیل مشغله زنان در

کنار مردان در فصول کاشت و برداشت محصولات کشاورزی، در راستای بهره‌برداری بهینه از نیروی انسانی موجود، راه‌اندازی کارگاه‌های فرش‌بافی با تکیه بر توان‌های مناطق روستایی در توسعه این حرفه و صلاحیت‌بخشی به شغل قالی‌بافی زمینه‌ای در توسعه این حرفه و نیز توسعه روستا محسوب می‌شود.

بر پایه نتایج تحلیل عاملی، عوامل مؤثر بر کاهش تمایل زنان روستایی به فرش‌بافی در قالب هفت دسته عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فنی، بهداشتی، قانونی و زیست‌محیطی خلاصه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از میان عوامل فرهنگی، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی، عدم آگاهی قالی‌بافان از شرایط کار، و عدم آموزش بر عدم تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی مؤثرند. مقایسه این نتایج با مطالعات داس و همکاران (۵)، علیایی و دهقان نیستانی (۱)، حاجیانی و پاک‌سرشت (۷)، و نیازی و چیت‌سازیان (۱۵) مطابقت دارد.

از میان عوامل اقتصادی، دستمزد و درآمد پایین، کمبود سرمایه شروع به کار، رقابت تولید فرش ماشینی با فرش دستباف، عدم حمایت اقتصادی بافندگان و نبود صرفه اقتصادی بر عدم تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی مؤثرند. این نتایج با مطالعات شفیعیان (۱۹)، کریمی ماچجانی و سلطانیان (۱۰)، مظهری و همکاران (۱۲)، رستمی (۱۸)، رضایی (۱۷)، نگی و اپدهی (۱۴)، آن برمن (۲)، و پاپزن و همکاران (۱۶) مطابقت دارد.

از میان عوامل اجتماعی نیز وضعیت رفاه اجتماعی، جایگاه پایین اجتماعی قالی‌بافان، واحدهای تولیدی کوچک و خانگی، و عدم ارزش‌گذاری کار زنان بر عدم تمایل زنان روستایی به فرش‌بافی مؤثرند. این نتایج با مطالعات محمدی (۱۱)، شفیعیان (۱۹)، و مظهری و همکاران (۱۲) مطابقت دارد. همچنین، استفاده از مواد اولیه نامرغوب در قالب یک عامل زیست‌محیطی بر عدم تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی مؤثر است. این نتیجه با مطالعات محمدی (۱۱) و هاشمی (۹) مطابقت دارد.

از میان عوامل بهداشتی نیز عدم رعایت اصول بهداشتی کار و کارگاه و عوارض نامطلوب جسمی ناشی از کار بر عدم تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی مؤثرند. این نتایج با مطالعات محمدی (۱۱)، کریمی ماچجانی و سلطانیان (۱۰)، شفیعیان (۱۹)،

مظهری و همکاران (۱۲)، چوپینه و همکاران (۴)، زحمتکش و همکاران (۲۳)، داس و همکاران (۵)، و هاشمی (۱۹) مطابقت دارد.

از میان عوامل فنی، نقشه‌های تکراری، نبود استاندارد کارگاه و ابزار بافت، و عدم دسترسی به مواد اولیه، نقشه و دار بر عدم تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی مؤثرند. این نتایج با مطالعات محمدی (۱۱)، هاشمی (۱۹)، حاجیانی و پاک‌سرشت (۷)، رضایی (۱۷)، و نگی و اپدهی (۱۴) مطابقت دارد. سرانجام، نتایج مربوط به تأثیر عامل قانونی محدودیت اعتبارات بر کاهش تمایل زنان روستایی به قالی‌بافی نیز با نتایج مطالعات پایزن و همکاران (۱۶) و رستمی (۱۸) مطابقت دارد.

- با توجه به نتایج پژوهش حاضر، برخی پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:
- ارائه آموزش‌های لازم در راستای فراهم‌سازی بستر فرهنگی لازم در انجام کسب و کارهای خانگی و افزایش سواد کاری و اطلاعات مورد نیاز بافندگان؛
- نظام‌مندسازی ساختار درآمدی و دستمزد بافندگان در تطابق با میزان کار با توجه به سختی کار بافندگی؛
- تغییر مدیریت کارگاه‌های تولید به صورت متمرکز با نظارت کارشناسان بهداشت؛
- توسعه دانش ابزارهای قالی‌بافی با توجه به استانداردهای تعریف‌شده در حفظ سلامت بافندگان؛ و
- زمینه‌سازی اجتماعی برای ارزش‌گذاری به حرفه فرش‌بافی از مواردی است که در توسعه فرش‌بافی و تمایل بافندگان برای انجام فعالیت قالی‌بافی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

1. Aliaii, M. and Dehghan Nestanaki, M. (2012). The study of economic capacities of carpet weaver women and their role in rural development: a case study of villages in Takab (West Azarbaijan province). *Social Development Studies*, 5(1): 67-81. (Persian)

2. Ann Berman, K. (2006). Carpet weavers and weaving in the global market: the case of Turkey. A Thesis Presented to the Faculty of the Graduate School of Cornell University.
3. Azarpad, H. and Heshmati Razavi, F. (2003). Farshnameh. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. (Persian)
4. Choobineh, A., Lahmi, M., Hosseini, M., Khanijazani, R. and Shahnavaaz, H. (2003), Musculoskeletal disorders in the carpet weaving industry. *Faculty of Public Health and Institute of Health Research*, 3(7): 9-24. (Persian)
5. Das, PK., Shukla, KP. and Ory, FG. (1992). An occupational health programme for adults and children in the carpet weaving industry Mirzapur, India: a case study in the informal sector. *Soc. Sci. Med.*, 35(10): 293-302.
6. Fars Province Carpet Office (2014). Exports of carpet. Fars Province, Shiraz. (Persian)
7. Hajiani, A. and Pakseresht, S. (2007). The health needs of carpet weavers and carpet workshops in Iran. *Goljaam*, 8: 43-55. (Persian)
8. Hashemi, M. (1995). Socio-economic role of rural carpet weaver women. *Journal of Planning Center of Agricultural Economics, Special Issue: Women in Agriculture*, 3: 179-202. (persian)
9. Henson, R.K. and Roberts, J.K. (2006). Use of exploratory factor analysis in published research. *Educational and Psychological Measurement*, 66(3): 393-416.
10. Karimi Machiyani, S. and Soltanian, N. (2007). Identifying the needs of art carpet industry to boost production and quality. Proceedings of the *Second National Seminar on Handmade Carpet Research (Volume II)*. National Iranian Carpet Center: 709-721. (persian)
11. Mohammadi, A. (2007). Studying the causes of drop in production of carpets in the Kamyaran and Diwandarreh cities. Proceedings of the *Second National Seminar on Handmade Carpet Research (Volume II)*. National Iranian Carpet Center: 685-708. (Persian)
12. Mozhari, M., Dianat, M. and Sane'ei, M. (2003). Analysis of the economy and livelihoods of workers in handmade carpets in Khorasan

- province. Proceedings of the *First Handwoven Carpets Conference*, National Iranian Carpet Center: 447-454. (Persian)
13. National Carpet Center of Iran (2013). Statistics of related jobs in handmade carpet. Tehran. (Persian)
 14. Negi, T. and Upadhyay, R. (2012). SWOT Analysis of selected entrepreneurial activities performed by rural women. *Raj. J. Extn.*, 20: 215-220.
 15. Niazi, M. and Chitsazian, A.H. (2007). The role of culture employment and work out on the carpet weaving, *Goljaam*, 67: 61-94. (persian)
 16. Popzan, A., Khoshghadam, Kh. and Soleimani, A. (2011). Evaluation of vocational training of rural women in the field of handicrafts. *Women's Sociology*, 2(3): 21=37. (Persian)
 17. Rezaei, M. (2006). Carpet weavers' job satisfaction in East Azarbaijan and Isfahan. *Goljaam*, 3: 25-34. (Persian)
 18. Rostami, M. (2004). The study of the women employment stituation of Mazandaran province on the handicrafts section (indicator area: Sari township). *Journal of Humanities and Social*, 4(13): 39-65. (Persian)
 19. Shafieian, M. (1996). Factors affecting the labor movement in the carpet industry in Kerman. Master Thesis of Management, Department of management, Shiraz University. (Persian)
 20. Union of Knitted Carpets of Shiraz (2013). Handicrafts carpet weavers of Shiraz. Shiraz. (Persian)
 21. Wani, Kh.A. and Jaiswal, Y.K. (2011). Occupational health risk factors in carpet industry, *Society of Applied Sciences*, 2(1): 135-139.
 22. Yavari, H. (2005). Basics of Iranian carpet recognition. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization. (Persian)
 23. Zahmatkesh, R., Khanjani, N. and Ghotbi Ravandi, M.R. (2012). Evaluating occupational risk factors among Golzar rug weavers, Kerman, Iran. *Journal of Occupational Health & Epidemiology*, 1: 37-43.